

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۰۲، آبان ۱۴۰۲

## نسل کشی مردم فلسطین توسط اسرائیل و نقد برخی دیدگاهها(1)

(1)- توضیح پیام فدائی: آنچه در زیر آمده متن پرسش و پاسخ کانال بذرهای ماندگار با رفیق سنجرى در جلسه عمومی کلاب هاوس مورخ سوم نوامبر 2024 می باشد که به این ترتیب به اطلاع خوانندگان می رسد.

**پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: رفیق فریبرز گرامی، با درود به شما و پیشاپیش سپاس که در خواست ما رو برای حضور در این برنامه پذیرفتید رفیق.**

**رفیق سنجرى:** ضمن سلام به شما و همه دست اندرکاران این اتاق که چنین امکانی رو برای تبادل نظر در رابطه با چنین موضوع مهمی مهیا کردند؛ بگذارید که در این فرصت به همه حاضرین در این جلسه درود بفرستم. به امید اینکه با همکاری همه حاضرین، یعنی عزیزانی که در جلسه حضور دارند ما بتوانیم جلسه پر باری داشته باشیم. به خصوص که این جلسه در رابطه با یکی از دردناک ترین رویدادهای جاری در منطقه می باشد یعنی نسل کشی بی رحمانه صهیونیست ها در غزه و علیه خلق فلسطین که متأسفانه بیش از یکسال هم هست که ادامه دارد. بگذارید قبل از هر صحبتی همبستگی خودم و چریکهای فدائی خلق رو با مبارزه و مقاومت خلق فلسطین ابراز کنم و همدردی خودمون را با مردم رنج دیده غزه ابراز نمایم و به خصوص یاد هزاران کودک و زن و مردی که در این فاصله توسط جنایتکاران حاکم بر اسرائیل جان باختند را گرامی بدارم. به امید روزی که جهان شاهد رهائی مردمی باشد که با زور تفنگ از سرزمین شان رانده شدند و اسیر دست جنایتکارانی شدند که شانه به شانه هیتلرها و آیشنمن ها می زنند. به امید آن روز.

**پرسش:** مرسی رفیق. اجازه بدهید که اولین سوال را مطرح کنم. همین طور که می دانید از هفتم اکتبر سال پیش و در واقع به دنبال حمله تروریستی حماس به اسرائیل، ارتش اسرائیل تحت نام جنگ با حماس سراسر نوار غزه را وحشیانه بمباران کرده و بیش از چهل هزار نفر از مردم فلسطین (بر مبنای) آمار امروز کم و بیش که بسیار بیش از این هم هست را کشته و چندین هزار نفر را همانطور که خودتان هم توضیح دادید مجروح کردند. شما این جنگ را چگونه می بینید؟ چگونه این جنگ را توصیف می کنید؟

**پاسخ:** بگذارید قبل از پرداختن با این پرسش من تاکید کنم که به رغم همه جنایاتی که دولت اسرائیل از 7 اکتبر سال گذشته مرتکب شده، اما نباید فراموش کرد که جنگ صهیونیست ها علیه خلق فلسطین بیش از 75 ساله که ادامه دارد. و در این فاصله طولانی هم صهیونیست های حاکم بر اسرائیل هیچ جنایتی نبوده که در حق مردم فلسطین اعمال نکرده باشند. آنها ملتی را از سرزمین خودشون بیرون کردند و با اشغال سرزمین آنها به عنوان اینکه فلسطین گویا سرزمین بی صاحبی است که باید به مردم بی سرزمینی، که قوم برگزیده خدا هم هستند، داده بشه از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده اند. فراموش نباید کرد که اسحاق شامیر یکی از سردمداران جنایتکار اسرائیل زمانی مدعی شد که: "فلسطین سرزمینی بوده بدون ملت و باید به ملتی داده بشه بدون سرزمین"، این سخنان به روشنی نشان می ده که به باور سردمداران اسرائیل گویا اصلاً ملتی به نام (ملت) فلسطین وجود نداشته! این توضیحات را دادم که در ضمن تاکید کنم که مارکسیست ها هر جنگی رو از نظر تاریخی بررسی می کنند و در این مورد هم باید چنین برخورد کنند و چنین برخورد کرد.

با این توضیح اگر برگردم به پرسش شما درباره 7 اکتبر سال پیش، باید بگم که شواهد کاملاً آشکاری وجود دارد که مقامات بلند پایه اسرائیل کاملاً از حمله حماس در 7 اکتبر مطلع بودند. اگر نخواهم به همه فاکت هائی که در این زمینه وجود دارد اشاره کنم، تنها کافیست بگم که به گزارش نشریه تایمز اسرائیل به تاریخ 9 اکتبر 2023 یعنی دو روز بعد از همین حادثه هفتم اکتبر وزیر اطلاعات دولت مصر ده روز قبل از این رویداد شخصاً با نخست وزیر اسرائیل (نتانیا هو) تماس گرفته و به او اطلاع داده که حماس احتمالاً در تدارک عملیات بزرگیه اما دولت اسرائیل به این هشدار هیچ توجهی نکرد! خوب این سوال باید در ذهن هر کسی مطرح بشه که به راستی چرا علیرغم این اطلاعی که بشنون داده شده توجه نکردند، تا جلوی چنین حرکتی را بگیرند. ما می دانیم که به جز این موردی که گفتم می دانیم که اسرائیل با خرج میلیون ها دلار یک دیواری ساخته که این کشور را از غزه جدا می کنه که این دیوار هم شدیداً تحت کنترل ارتش اسرائیله. خوب این ارتش اسرائیل با توجه به این کنترلی که کاملاً و هر شبانه روز انجام می شده صد درصد در جریان تدارکات حماس برای حمله 7 اکتبر قرار می گرفته و قرار هم گرفته. در خود مطبوعات اسرائیل هم در این زمینه گزارشات زیادی هست که می شه با رجوع به آنها این واقعیت را دید. بنابراین دولت اسرائیل با علم به عملیاتی که حماس در پیش داشت گذاشت تا حماس کار خودش رو بکنه و پس از این حمله بود که اسرائیل شروع به بمباران های وحشیانه مردم غزه کرد و این حمله حماس را یک توجیهی برای این که این حملات کشنده لازمه و به واقع او دارد از خودش در مقابل تروریست ها دفاع می کنه قرار داد و یک جنگی را علیه (مردم) فلسطین در غزه راه انداخت که یک نسل کشی را انجام داد که حالا البته اون را جنگ با حماس جلوه می ده و این طور می خواهد توجیه کند. در حالیکه اون جنایاتی که اونجا

انجام شده اصلاً ربطی به مساله حماس ندارد. حمله 7 اکتبر حماس به اسرائیل که به کشته شدن تعدادی از افراد غیرنظامی در اسرائیل هم منجر شد، همان نقشی را برای حملات جنایتکارانه اسرائیل ایفاء کرد (و می‌کنه) که حمله به برج‌های دوقلو در آمریکا برای دولت بوش و امپریالیسم آمریکا در اون موقع در برداشت و ایفاء کرد. می‌دونیم که جرج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا از آن رویداد 11 سپتامبر 2001 جهت توجیه حمله به افغانستان استفاده کرد. و براین اساس هم دولت وی اون تز معروف "جنگ بی پایان" را طرح کرد که هنوز هم مردم دنیا دارند از عوارضش رنج می‌برند. به هر حال رویداد 7 اکتبر یکبار دیگر هم نشان داد که دولت اسرائیل چگونه از وجود حماس جهت پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی خودش سود می‌بره. این امر همچنین واقعا نشان داد و روشن هم می‌کنه که چرا اسرائیل از سال‌ها پیش به شکل گیری چنین جریانی کمک کرد. در این زمینه فاکت‌های غیرقابل انکاری وجود داره گر چه خیلی‌ها مایلند چشم شون را روی این فاکت‌ها ببندند و اون‌ها را نبینند. برای فقط نمونه می‌گویم که کمک‌های مالی امارات متحده عربی و قطر بطور رسمی و از طریق اسرائیل به این گروه منتقل می‌شد. به همین دلیل هم بود که در مارس 2019 نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل به اعضای حزب لیکود در پارلمان اسرائیل (کنست) یعنی حزب خودش گفت: **"هر کسی که می‌خواهد تشکیل یک کشور فلسطینی را خنثی کند، باید از تقویت حماس و انتقال پول به حماس حمایت کند"**. بعد هم تاکید می‌کنه که **"این بخشی از استراتژی ماست"**. خوب با چنین استراتژی‌ای روشنه که باید در انتظار چه حوادثی بود. به واقع با این توضیحات می‌خواهم تاکید کنم که به باور ما جنگ غزه در واقعیت جنگ دولت نژادپرست اسرائیل علیه حماس صرفا نیست، بلکه علیه مردم رنج‌دیده فلسطین می‌باشه که به همین دلیل هم یک جنگ ناعادلانه و ضد مردمی ست. این یک نسل کشی آشکار از مردمی بی‌دفاعه که توسط دولت تروریست اسرائیل انجام می‌شه و اسرائیل می‌کوشه به این طریق بخش هر چه بزرگ‌تری از سرزمین فلسطین را به خاک خودش ضمیمه کند. یعنی همان کاری که 75 ساله داره انجام می‌ده. بی‌دلیل هم نیست که وزیر دفاع فاشیست اسرائیل به دنبال حمله به غزه گفت می‌خواهیم "واقعیت را تا نسل‌ها تغییر" دهیم. امیدوارم که به پرسش شما پاسخ داده باشم.

**پرسش: مرسی رفیق. رفیق با توجه به ماهیت ضد مردمی اسرائیل و نسل کشی‌ای که در غزه به راه انداخته برخی ضمن مخالفت با جنایات اسرائیل، بر خلاف آنچه که شما مطرح کردید حماس و حزب الله را نیروهای مردمی قلمداد می‌کنند و به خصوص حماس را. (آنها) اساسا حماس را بخشی از مقاومت خلق فلسطین معرفی می‌کنند و ازش دفاع می‌کنند. بطور مشخص از حماس با این توجیه دفاع می‌کنند. شما نظرتان در این زمینه چی هست؟**

**پاسخ:** ببینید بیش از یکساله که دولت جنایتکار اسرائیل همه جنایات خودش را در غزه و کرانه باختری که اصلا حماس در آنجا نیست را با وجود حماس توجیه می‌کنه و در تبلیغات خودش هم همواره حماس را برجسته می‌کنه و جنگ خودش علیه خلق فلسطین را جنگ با حماس جلوه می‌ده در حالیکه اگر ما یک نگاه بکنیم به هزاران نفری که در این مدت توسط ارتش اسرائیل کشته شدند می‌بینیم که قریب به اتفاق آنها مردم عادی فلسطین بودند و نه اعضای حماس. آیا نزدیک به 20 هزار کودکی که توسط اسرائیل کشته شدند اعضای حماس بودند؟ اساساً ما با یک نسل کشی خونین در غزه مواجه‌ایم که خلق فلسطین را هدف قرار داده و نه صرفا حماس رو پس جنگ واقعی با خلق فلسطینه. از طرف دیگه، حدود 700 نفر در کرانه باختری تا حالا کشته شدند اینها که هیچ کدام از نیروهای حماس نبودند. اصلا به هیچ وجه کسی نمی‌توانه اینها را به حماس وصل کنه. البته متأسفانه بیشتر رسانه‌های امپریالیستی در چهارچوب خط دفاع از اسرائیل همان تبلیغات دولت اسرائیل را رله می‌کنند. از طرف دیگه ما شاهدیم که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی هم تحت نام محور مقاومت هر روز حماس را طرف جنگ اسرائیل در غزه معرفی می‌کنه. بطور طبیعی این تبلیغات روی افکار عمومی تاثیر می‌گذاره تبلیغاتی که حماس در غزه را بخشی از مقاومت فلسطین جلوه می‌ده. اما اگر کسی می‌خواهد نه براساس تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی و مزدوران اون‌ها بلکه براساس واقعیت موضع گیری کنه. آنگاه باید به شکل گیری حماس و نقش دولت اسرائیل در پر و بال دادن به این جریان توجه کنه. و در این زمینه برود مطالعه کند و به فاکت‌هایی که در این زمینه وجود داره رجوع کنه اگر واقعا چنین کنه به روشنی می‌بینه که حماس رو خود سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل درست کردند و به همین دلیل هم نمی‌شنه اون رو نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت فلسطین تلقی کرد یا جا زد. البته این را هم بگویم و روش تاکید کنم که این واقعیات امر پوشیده‌ای هم نیست. تاکنون ده‌ها فاکت و سند در این زمینه منتشر شده. حالا چون در صحبت‌هایی که قبلا در رابطه با مساله فلسطین در همین کلاب هاوس داشتم به مواردی از این فاکت‌ها اشاره کردم دیگه نمی‌خواهم وقت امشب را به ارائه این فاکت‌ها اختصاص بدهم. فقط تاکید کنم که سفیر سابق آمریکا در عربستان "چارلز فریم" رسماً اعلام کرد که "حماس را اسرائیل پدید آورد". سفیر آمریکا در عربستان گفته و تصریح کرده که "این نقشه‌ی «شین بت» (سازمان امنیت ملی اسرائیل) بود که فکر می‌کرد حماس می‌توانه سازمان آزادیبخش فلسطین رو به حاشیه براند". خوب در پاسخ به پرسش قبلی هم که من گفتم که نخست وزیر اسرائیل هم گفته بود که برای جلوگیری از تشکیل کشور فلسطین باید از حماس دفاع کرد. و این (امر) را استراتژی دولت خودش اصلاً معرفی کرده بود. در نتیجه با توجه به واقعیاتی که گفتم و توضیح دادم ارزیابی حماس به عنوان نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت انقلابی خلق فلسطین یک امر نادرستیه که واقعا با واقعیت انطباق نداره. اما شنیدن چنین تزهائی از ایرانی‌هایی که 45 ساله سلطه جمهوری اسلامی را تجربه می‌کنند و همشون بار جنایت‌های این رژیم را رو دوششان دارند حمل می‌کنند واقعا تعجب انگیزه. حالا (مگر) اینها فراموش کردن که در مقابله با انقلاب مردم ایران امپریالیست‌ها دار و دسته خمینی را به قدرت رساندند و این دار و دسته ارتجاعی ضمن سرکوب انقلاب ایران چنان جنایاتی در حق کارگران و ستمدیدگان انجام دادند که زبان از

بیانش قاصره. آیا این جمهوری اسلامی یک چیزی به نام بنیادگرایی اسلامی در ایران و منطقه شکل نداد و توسط اشاعه این بنیادگرایی اسلامی خیلی از جنبش‌های مترقی را به حاشیه نراند؟! واقعا با چه توجیهی می‌شه یک نیروی بنیادگرای اسلامی را که با همه وجودش ارتجاعیه را نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت خلق فلسطین جا زد. در تمام این سال‌ها که امپریالیست‌ها در حته جمهوری اسلامی باد کرده‌اند و توسط وی در هر جا که احتیاج داشته‌اند یک گروه اسلامی راه انداختند \_ گروه بنیادگرای اسلامی راه انداختند\_ کدام نمونه را سراغ دارید که یکی از آنها کمترین کیفیت مترقی را از خودش نشان داده باشه. مگر همین چند سال پیش نبود که آمریکائی‌ها دوباره طالبان را یعنی یکی از همین گروه‌های بنیادگرایی اسلامی را که مثلا آمریکا باش در جنگ بود را در افغانستان به سر کار نیاورد؟ آیا از اون موقعی که طالبان دوباره در افغانستان قدرت گرفته ما شاهد زن ستیزی و جنایات این دار و دسته نبودیم؟ کسانی که حماس را بخشی از مقاومت مردم فلسطین جا می‌زنند آیا می‌توانند بگویند، که مگر کنترل غزه قبل از 7 اکتبر کاملا در دست این جریان نبود، این نیرو کدام برنامه مترقی را برای مردم غزه اجرا کرده که حالا برخی برای وی کف می‌زنند. فراموش هم نکنیم که حماس میلیون‌ها دلار از طریق امارات متحده عربی و قطر و از کانال اسرائیل همواره دریافت می‌کرده یعنی اینطور نبوده که پول نداشته یا بودجه نداشته. از طرف دیگه برخورد حماس با کمونیست‌ها و نیروهای سکولار و حتی با این طرفداران همین ابو عباس و دولت خودگردان در کرانه باختری مگر جز یکی از خشونت بارترین برخوردها بوده؟ آیا کم کشته؟ آیا اینها به آزادی زنان کوچکترین اهمیتی دادن؟ در نتیجه اگر کسی می‌خواهد واقعا یک قضاوت واقعی و منطقی در رابطه با این جریان داشته باشه باید به این واقعیات توجه داشته باشه به این واقعیات باید فکر کنه. مورد دیگری هم که باز در همین سوال بود در مورد حزب الله لبنان هم من تنها باید تاکید کنم که این جریان را که دیگه آشکارا ساخته دست سپاه پاسدارانه و افرادی مثل محتشمی پور که اون موقع اگر اشتباه نکنم سفیر جمهوری اسلامی در لبنان بود و بعدها که برگشت به ایران در یک مقطعی شد وزیر کشور در سال 1361 (اینها) در لبنان شکل دادند. و این هم البته امر پوشیده‌ای هم نیست و خود این حسن نصرالله رهبر حزب الله در خیلی از صحبت‌هایش بر تنیدگی سازمانش با جمهوری اسلامی تاکید کرده. در نتیجه اصلا نمی‌شه در ماهیت ارتجاعی یک چنین جریانی که ساخته جمهوری اسلامی شک کرد. مگر اینکه واقعا بخواهد کسی پا روی حقیقت بگذاره و سازندگان این جریان را هم مترقی اعلام بکنه. اگر هم البته کسی چنین کاری بکنه خیلی روشن داره روی واقعیت تف می‌کنه. چون به هر حال در ارتجاعی بودن جمهوری اسلامی و در تاریخ پر از جنایت جمهوری اسلامی اصلا لحظه‌ای شک هم نمی‌شه کرد. به هر حال چون به رغم تمایل این پاسخ یک مقداری طولانی شد، در مورد حزب الله لبنان به همین حد اکتفاء می‌کنم.

**پرسش: مرسی رفیق. سوال بعدی که بوده که به هر صورت در ادامه پرسش قبلی هستش، هر چند که ممکنه تکراری باشه از آنجا که افراد از زوایای مختلفی سوال می‌کنند مطرح می‌کنم. ببینید رفیق برخی از تحلیل‌ها و افراد با این ادعا که در حال حاضر تنها نیروئی که در واقع می‌گویند که تنها نیروئی که در مقابل حملات شدیداً وحشیانه دولت صهیونیستی اسرائیل مقاومت می‌کند و با آن می‌جنگد همین حماس هستش. آنها مدعی‌اند که و می‌گویند پس آیا درست نیست که در مقابل یک دشمن بزرگتر مثل اسرائیل از حماس دفاع بشه؟ شما نظرتان چیه در این زمینه؟**

**پاسخ:** ببینید، قبلا در مورد جنگ حماس با اسرائیل توضیح دادم که به واقع حماس با به اصطلاح جنگ‌اش با اسرائیل زمینه را برای حملات این دولت جنایتکار به مردم فلسطین مهیا کرد. و توجیه‌ای درست کرد برای اسرائیل که بتواند این نسل کشی‌اش را جا بیندازد و با قیافه حق به جانب آن را حق دفاع از خود معرفی کنه. اما از جنبه دیگه، وقتی بخواهیم یک جنگی را بررسی بکنیم در بررسی ماهیت جنگ‌ها که به کوچک و بزرگی دو طرف درگیری نمی‌شه پرداخت. بالاخره در هر جنگی یک طرف از طرف دیگر ضعیف‌تره و یا کوچک‌تره. حتی در جنگ جهانی اول که آلمان و امپراطوری عثمانی و اتریش با انگلیس و فرانسه و روسیه می‌جنگیدند خوب یک طرف بیشتر جهان را زیر سیطره خودش داشت و طرف دیگر اصلا منطقه نفوذ زیادی نداشت و به همین دلیل هم برای پیدا کردن "محلی در زیر آفتاب" به جنگ متوسل شده بود. اما ماهیت جنگ را با کوچکی و بزرگی این دو طرف نمی‌شه روشن کرد. این روش اساساً روشی علمی نیست. به همین دلیل هم ما کاربرد آن را در این مورد هم کاملاً نادرست می‌دونیم. چون نه تنها هیچ کمکی به شناخت ماهیت نیروهای درگیر نمی‌کنه برعکس صف‌ها را هم مخدوش می‌کنه. البته این تز دفاع از تبهکار کوچک در مقابل تبهکار بزرگ امر تازه‌ای هم نیست ولی همانطور که قبلا هم گفتم مارکسیست‌ها در برخورد با هر جنگی آن را از نظر تاریخی بررسی می‌کنند و در این مورد هم باید چنین برخوردی داشته باشند. این را هم بگویم که تا جایی که من در شبکه‌های اجتماعی دیدم کسانی که به کوچکی حماس و یا در صحنه بودنش اشاره می‌کنند و خواهان حمایت از آن می‌شوند اون رو نیروئی ارتجاعی نمی‌دونند بلکه مدعی‌اند که چون به هر حال در میدان و علیه اسرائیل مرتجع و نژادپرست می‌جنگه پس یک نیروی مترقیه و باید از آن حمایت کرد. اما واقعیت اینه که در صحنه بودن ماهیت هیچ نیروئی را تعیین نمی‌کنه. بلکه باید دید در جهت منافع چه طبقه‌ای در صحنه است. برای مثال در جنگ امپریالیسم آمریکا با داعش بالاخره داعش در صحنه بود و این طور نشان داده می‌شد، در رسانه‌های غربی، که داشت با امپریالیسم مسلط بر جهان هم می‌جنگه. امپریالیسمی که ائتلافی حداقل 60 کشوری علیه داعش سازمان داده بود. آیا کسی می‌تونست یا همین الان می‌توانه با تکیه بر کوچکی داعش از توحش محض داعش صرفاً به دلیل اینکه در میدان بود و با امپریالیست‌ها می‌جنگید حمایت کنه؟ به هیچ وجه. به خاطر اینکه اساساً این روش نادرسته، غیر علمیه. همانطور که گفتم در هر جنگی اولاً باید دید که نیروهای درگیر در چه دوران تاریخی قرار دارند و از منافع چه طبقه‌ای به واقع دارند دفاع می‌کنند. بعد هم باید دانست که تا جایی هم که در عمل جنگی بین حماس و اسرائیل در میان باشه در این جنگ دو نیروی بنیادگرای اسلامی و صهیونیستی مطرح‌اند که هیچ

کدام ماهیتی دموکراتیک و انقلابی ندارند و از این جنبه هم، این جنگی است که قابل دفاع نیست. اما در واقعیت در غزه ما شاهد نسل کشی مردم فلسطین هستیم توسط اسرائیل. به همین دلیل هم همه نیروهای مردمی و مترقی باید علیه نسل کشی اسرائیل نژاد پرست و متجاوز باشند و از مطالبات مردم ستمدیده فلسطین دفاع کنند و خواهان قطع فوری این نسل کشی باشند. به هر حال تاکید کنم که کوچکی و بزرگی یک نیرو ماهیت اون نیرو را در جنگ و ماهیت اون جنگ را تعیین نمی‌کند. هر جنگی را باید دید که در چه شرایط تاریخی و برای منافع چه طبقه‌ای مطرح شده و پیش می‌رود که اون موقع می‌شه در موردش قضاوت کرد و موضع گرفت.

**پرسش: رفیق از بحث‌های شما مشخص هستش که شما دو طرف این جنگ جاری در خاورمیانه یعنی دولت اسرائیل و حماس و حزب الله را ارتجاعی و دشمن مردم فلسطین و خاورمیانه می‌دانید. حالا با علم بر این مساله آیا ما می‌توانیم حماس و حزب الله و احزاب خواهر و برادر بنیادگراهای اسلامی ارتجاعی را با اسرائیل در یک کفه قرار بدهیم؟ در واقع با ارتجاعی دانستن اسرائیل و این دو جریان آیا در یک کفه قرار دارند. اگر ممکنه در این مورد نظراتان را بدهید؟**

**پاسخ:** ببینید در اینجا هیچ ترازویی در کار نیست. و اگر بخوایم خیلی روشن حرف بزنم من ترازویی در اینجا نمی‌بینم. بحث هم بر سر در یک کفه قرار دادن نیروهای درگیر نیست. ما گفتیم که هر دو طرف ارتجاعی هستند. مساله اینه که هر دو نیرو چه بنیادگرایی صهیونیستی و چه بنیادگرایی اسلامی مرتجع‌اند و نباید در دعوی دو نیرو ماهیتا مرتجع به دفاع از یکی بلند شد. بالاخره در هر جنگی یکی قوی‌تره و یکی ضعیف‌تره؛ ولی بحث ما اینه که این امر ماهیت آن نیرو را تعیین نمی‌کند در جنگ طالبان با آمریکا شاهد بودیم چون مثال روشنیه من روی آن تاکید می‌کنم. طالبان هم کوچکتر بود و هم در میان بخشی از مردم افغانستان هوادار داشت اما هم طالبان مرتجع بود و هم آمریکا که به اصطلاح با او می‌جنگید. و عده‌ای هم با واقعا حماقت محض این را جنگ تمدن و توحش جلوه می‌دادند و می‌گفتند که در مقابل تمدن باید از توحش دفاع نکرد و محکوم کرد و غیره

پس این بحث ترازو را باید گذاشت کنار. ما در حالیکه شدیداً علیه دولت فاشیستی اسرائیل هستیم و معتقدیم که اون شدت برخوردهای فاشیستی‌اش وی را به اون جایی کشانده که علاوه بر همه کشتارهایی که با موشک و بمب و خمپاره می‌کنه با محروم کردن مردم و کودکان از غذا و دارو و گرسنگی دادن به مردم غزه آنها را برای ترک منطقه تحت فشار می‌گذاره، کارهایی که تنها می‌شه آنها را با کارهای نازی‌ها مقایسه کرد، اما حماس در غزه و حزب الله در لبنان را با توجه به جنایات اسرائیل نمی‌شود مترقی ارزیابی کرد. اما، مشکل بزرگ برخی از دیدگاه‌ها متأسفانه که به شدت هم انحرافی است اینه که اون‌ها صورت مساله را به حماس و اسرائیل تقلیل می‌دهند؛ و جلوی مخاطبین خودشون می‌گذارن. بین حماس و اسرائیل. خوب این روش واقعیت را مخدوش می‌کند. کسی نمی‌تواند موافق نسل کشی اسرائیل باشه و یا اصلاً این نسل کشی را این کودک کشی را ببیند و بهش معترض نباشد. و به همین دلیل هم ممکنه به بیراه دفاع از حماس بیفتد. اما ببینید حالا که این بحث شد این را هم من اضافه کنم. این داستان بد و بدتر را بگذاریم کنار حداقل ما ایرانی‌ها سال‌هاست که در جریان انتخابات‌های جمهوری اسلامی شاهد بودیم که با این داستان بد و بدتر سر مردم شیره می‌مالند. پس اجازه ندهیم که با همین روش که یکی بد و دیگری بدتر یکی تبهکار کوچک که یکی تبهکار بزرگ دوباره سر مردم شیره بمالند و یک زمینه‌ای درست کنند برای اینکه بالاخره از یک طرف در مقابل طرف دیگه دفاع بشود. ما اصلاً خودمون را نباید وارد این معادله بد و بدتر بکنیم. خوب ما یک تجربه تاریخی خیلی روشن جلومون هست برویم به جنگ جهانی اول توجه کنیم و ببینیم دو نیروی ارتجاعی با هم می‌جنگیدن و کمونیست‌های واقعی نیامدن بیایند بگویند که حالا بیایید بشینیم و ببینیم که مثلاً انگلستان چند تا برده داره و آلمان چند تا برده بعد بگویند که خوب انگلستان که مدعیه که آفتاب در امپراطوریش غروب نمی‌کنه و همه جای دنیا را گرفته و به آلمان هیچ چیز نرسیده پس این محق‌تره. یا بیاییم ببینیم که این آلمان که هنوز جایی را نگرفته که ما جنایاتش را ببینیم. کمونیست‌ها که این طوری با مساله برخورد نکردند. آمدند و گفتند ما اصلاً وارد این معادله امپریالیسم خوب و بد نمی‌شویم. ما این جنگ را اتفاقاً در جهت تحکیم بردگی می‌بینیم. این توحشی که الان در منطقه خاورمیانه از سوی اسرائیل اینجور روی طبلش کوبیده می‌شه برای این نیست که کوچکترین فضائی بخواهد برای مردم ستمدیده غزه و کناره باختری و لبنان و اینها باز بکنه اون ورش هم همینطوره در نتیجه این داستان بد و بدتر را بگذاریم کنار. بیاییم ببینیم که در این شرایط تاریخی در عصر امپریالیسم و در شرایطی که سرمایه‌دارها همه جا را گرفتند کی با کی داره می‌جنگه و برای چی داره می‌جنگه که اکثراً هم فقط دودش می‌رود به چشم مردم. من فکر می‌کنم که این پاسخ کافی باشه.

**پرسش: مرسی رفیق. رفقای که در قسمت کامنت پرسش‌هایی می‌فرستند حتما در بخش پرسش و پاسخ اینها را با رفیق مطرح خواهیم کرد. می‌خواستم توضیح داده باشم که این سوالات حتما مورد بررسی قرار خواهند گرفت. رفیق پشتیبانان امپریالیست دولت اسرائیل و خود این دولت مدعی هستند که هدف جنگ اسرائیل نابودی حماس است. نظر شما در این مورد چیه؟ آیا واقعا نابودی حماس هدف حملات اسرائیل به مردم غزه هستش؟**

**پاسخ:** ببینید این ادعای دولت کودک کش اسرائیل که مثلاً به بهانه حماس مدارس و بیمارستان‌ها را داره بمباران می‌کنه و تا حالا هم اگر این آمارهایی که منتشر شده را دنبال کنیم هیچ هیچ بیش از 42 هزار نفر را

کشته و ده‌ها هزار نفر را مجروح کرده که اکثراً هم اصلاً عضو حماس نبودن. حالا من به این نمی‌پردازم که هزاران نفر زیر آوار مانده‌اند و جان باخته‌اند که اصلاً در این آمارها به حساب نمی‌آیند.

قبلاً هم گفتم که بحث بر سر نابودی حماس نیست. بحث بر سر اسرائیل که با جنگ علیه مردم غزه و نسل‌کشی مردم فلسطین، خواهان اشغال سرزمین آنهاست. این هم امر تازه‌ای نیست. اگر به نقشه اسرائیل که در سال 1948 یعنی سال تاسیس آن نگاه کنیم و آن را با قلمرو کنونی این دولت اشغالگر مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که چگونه صهیونیست‌ها گام به گام قلمرو و تجاوزگری خودشان را با حمایت بی‌چون و چرای قدرت‌های امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا گسترش داده‌اند؛ بدون این که اصلاً حماس و حزب الله هم اساساً در صحنه بوده باشند. اینها اصلاً در اون سال‌هایی که اسرائیل شروع کرده به تجاوز به خلق فلسطین اصلاً در صحنه نبودند. وجود نداشتند. برای این که این هدف همیشگی اسرائیل بوده و هست و امروز هم همین هدف را در غزه پیش می‌بره. خوب اشغال سرزمین مردم فلسطین هم امکان شهرک‌سازی را برای صهیونیست‌ها افزایش می‌دهد و هم آنها می‌خواهند در این سرزمین‌ها برای کشاورزی استفاده کنند و از معادنش سود ببرند و به خصوص هم باید توجه داشت که نوار غزه در کنار دریا قرار دارد و در آب‌های متعلق به غزه یعنی متعلق به فلسطین منابع نفتی و گازی زیادی پیدا شده که صهیونیست‌ها چشم به اون دوخته‌اند. **بنابر گزارشاتی که تا حالا منتشر شده در 29 اکتبر 2023، وزارت انرژی اسرائیل 12 مجوز را برای 6 شرکت برای اکتشاف ذخایر گاز طبیعی در منطقه‌ای در مجاورت خط ساحلی غزه، تأیید کرده.** حالا یک مورد دیگر هم بگذارید اشاره کنم. در سال 2007 ما الان در سال 2024 هستیم؛ وزیر دفاع اسرائیل به صراحت بیان کرد که باید با عملیات نظامی هم اگر شده، حماس را وادار کرد از ادعای مالکیت خودش بر دریای مدیترانه دست بکشد و تنها به سواحل آن بسنده کند. این امریه که با نسل‌کشی در غزه کاملاً و البته پس از سال‌ها امکان اجرائی پیدا کرده. یعنی اون چیزی که در ذهن فاشیست‌ها و نژادپرست‌ها اسرائیل بوده که برویم و غزه را با خاک یکسان کنیم تا بتوانیم از منابع گاز و نفت دریای مدیترانه سود ببریم و بشویم یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز، این هدف اسرائیل نه (نابودی) حماسی که خودش به وجود آورده و بدون شک کاملاً هم می‌تواند کنترلش بکند.

**پرسش: مرسی رفیق. رفیق همانطور که می‌دونید ارتش اسرائیل ضمن تداوم جنگ علیه مردم غزه، اخیراً هم تحت نام جنگ با حزب الله به لبنان هم حمله کرده و بیروت را دانه‌بمباران می‌کند. شما این حمله را چگونه می‌بینید و در ضمن شاید اینجا بتوانیم به سوال یکی از رفقای که در کامنت‌ها پرسش کرده که نظر شما درباره حزب الله لبنان چی هست شاید بتوانیم این دو سوال را با هم ادغام بکنیم با توجه به سوالات زیادی که هست. بفرمائید. میک در اختیار شماست؟**

**پاسخ:** ببینید ارتش واقعا که کلمات نمی‌تواند توصیف کند جنایات این ارتش را. ددمنش اسرائیل تحت نام جنگ با حزب الله در جنوب لبنان هم به لبنان حمله کرده و هم به شهر بیروت یعنی پایتخت لبنان و بمباران‌های وحشیانه‌ای هم در اینجا انجام داده که فعلاً بیش از هزار نفر را کشته و تعداد زیادی را مجروح کرده و باعث آواره شدن بیش از یک میلیون لبنانی شده. روشن است که صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل در خط اربابان آمریکائی خودشان میادرت به این آتش افروزی‌ها کرده‌اند. یکی از اهداف بارز لشکرکشی اسرائیل به بهانه حزب الله به لبنان با هدف حل برخی از تضادهای غارتگرانه و سلطه‌جویانه امپریالیسم آمریکا با رقبایش نظیر فرانسه است که می‌خواهد سلطه خودش را در منطقه هر چه می‌تواند مستحکم‌تر کند این واقعیتیه که حالا یک دفعه ما می‌بینیم که فرانسوی‌ها شدیداً علیه جنگ شدن دولت فرانسه منظومه و آتش افروزی اسرائیل در لبنان را محکوم می‌کنند و یا حتی از این بحث می‌کنند که باید فرستادن سلاح به اسرائیل تحریم بشه. واقعیت اینه که اسرائیل تحت پوشش حق دفاع از خودش به هر جنایتی متوسل می‌شه که نتیجه عملی‌اش هم تشدید تنش در منطقه است. به واقع می‌کوشه خاورمیانه را بیش از گذشته متشنج و مملو از درگیری کنه. یعنی همان شرایطی که بیشترین کمک را به کارخانجات اسلحه‌سازی (امپریالیسم) آمریکا و شرکاء و خود اسرائیل می‌کنه. تجربه نشان داده که اسرائیل با این آتش افروزی‌ها قادر نشده و نخواهد هم شد که امنیت ادعائی خودش را در نوار مرزی‌اش با لبنان برقرار کنه و این اقدامات کاملاً به نفع رونق دادن به صنایع نظامی امپریالیست‌هاست که در یک سال گذشته هم از هیچ اقدامی جهت تقویت اسرائیل و تجهیز آن به سلاح‌های کشنده دریغ نکرده‌اند.

به این جنبه هم باید توجه کرد که همانطور که گفتم قبلاً حزب الله ساخته جمهوری اسلامی و بنابراین درگیری بین دو نیروی بنیادگرای اسلامی و یهودی همچون جنگ غزه درگیری دو نیروی ارتجاعی و ضد مردمیه. البته مثل این یک سال گذشته ما شاهد تبلیغات فریبکارانه آمریکا در این جنگ هم بودیم که در حالیکه اسرائیل را مسلح می‌کند و در همه جا از نظر دیپلماتیک از آن حمایت می‌کنه از مخالفت خودش با تشدید درگیری در غزه و لبنان هم سخن می‌گوید. به هر حال فکر می‌کنم این پاسخ کافی باشه مگر اینکه سوالات دیگری رفقا مطرح کنند.

**پرسش: رفیق اجازه بدهید برگردیم به درگیری‌هایی که اخیراً بین ایران و اسرائیل پیش آمده. به دنبال ضرباتی که اسرائیل به جمهوری اسلامی وارد کرد دوبار هم جمهوری اسلامی با موشک و پهپاد به اسرائیل حمله کرد که البته اسرائیل هم به این حملات پاسخ داد. گرچه این موشک پراکنی‌ها خیلی محدود بودند اما رسانه‌های غربی آنها را به مثابه احتمال آغاز جنگی بزرگ بین این دو کشور تحلیل کردن و خطر این جنگ و در واقع خطر این جنگ هم اکثر نیروهای سیاسی را به موضع‌گیری واداشت. که مواضع مختلفی در این زمینه گرفتند. موضع شما در این رابطه چه هست؟**

**پاسخ:** ببینید جدا از اینکه جمهوری اسلامی در یکسال گذشته از حماس و حزب الله شدیداً حمایت کرده حالا چه مالی و چه تجهیزات نظامی و خوب از این زاویه در درگیری با اسرائیل نقش داشته و یا در سوریه بارها مورد بمباران‌های اسرائیل قرار گرفته اما حملات موشکی بین این دو رژیم فاقد هر گونه خطر جدی برای هر دو طرفه. این واقعیتی که باید به اون توجه کرد و باید برای مردم هم توضیحش داد. باید روی این تاکید کنم که نمی‌شه از جنگ بزرگ این دو نیرو و دو دولت سخن گفت. در شرایطی که جمهوری اسلامی قبل از موشک پرانی به اسرائیل، دولت آمریکا یعنی پشتیبان اصلی اسرائیل را مطلع می‌کنه و اکثر موشک‌ها و پهپادهای رژیم قبل از رسیدن به اسرائیل نابود می‌شه فکر نمی‌کنم بشه این موش و گریه بازی‌ها را جنگ نامید. این واقعیتی که خود دولت (جمهوری اسلامی) یعنی خبرگزاری‌های رسانه‌های غربی خیلی رسمی می‌گویند 12 ساعت قبل از حمله، جمهوری اسلامی به دولت آمریکا گفته که ما می‌خواهیم حمله کنیم. خوب این چه جور جنگیه که طرف قبل از حمله به ارباب اصلی منطقه می‌گوید که من می‌خواهم حمله کنم به کسی که تو می‌گوئی امنیتش (امنیت اسرائیل) امنیت منه؛ خیلی رسمی این حمله خود رئیس جمهورهای آمریکا است. امنیت اسرائیل امنیت آمریکاست. خوب تو وقتی می‌گوئی که من می‌خواهم به (اسرائیل) حمله کنم این می‌شه همان داستانی که ترامپ آمد رو کرد که وقتی به پایگاه آمریکا در عراق می‌خواستند حمله کنند به ما اطلاع دادند که ما باید حمله کنیم ولی به شما صدمه‌ای زده نمی‌شه وارد نمی‌شه. به این فکر نمی‌کنم بشه گفت اینها در حال جنگ بزرگند. اما همین که رسانه‌های غربی از آغاز یک جنگ بزرگ در منطقه خبر بدهند این تا یک حد زیادی طبیعی چون آنها می‌خواهند فضای موجود را تا می‌توانند پر تنش‌تر جلوه بدن. اما آن نیروهای سیاسی که به دنبال این تبلیغات فریبکارانه از جنگ این دو دولت سخن می‌گویند تنها نشان می‌دهند که قادر به درک شرایط موجود و وابستگی اسرائیل و جمهوری اسلامی به امپریالیسم نیستند. واقعیت اینه که جمهوری اسلامی و دولت صهیونیستی اسرائیل به مثابه دوقلوهای دست پروده آمریکایی عمل می‌کنند و همواره در خدمت به اربابان‌شان اقدام کردند و باز هم می‌کنند. البته من روی این تاکید کنم که اگر منافع ارباب هم حکم کنه که آنها جنگ و درگیری نظامی با هم دیگر راه بیندازند آنها نمی‌توانند این کار را نکنند. ولی اساساً چنین خواستی الان اون طرف (آمریکا) نداره و در نتیجه برای کسی که می‌خواهد صحنه سیاسی این اوضاع و احوال را بررسی کنه و روش موضع بگیره برخورد درست اینه که سرسپردگی این دو نیرو به امپریالیسم را در هر تحلیلی باید مورد تاکید قرار داد. در شرایطی که امپریالیسم آمریکا از طریق مقامات دولتی مرتب به جمهوری اسلامی اطمینان می‌ده که خواهان سرنگونی‌اش نیست، خوب اسرائیل هم قصد جنگ واقعی به منظور سرنگونی این رژیم را نخواهد داشت. ببینید در واقعیت چی شد این موشک زد تا اون جایی که من خواندم یک نفر از ارتش اسرائیل هم کشته نشد. اون هم چند تا موشک زد و در حالیکه سال‌هاست که تبلیغ می‌کرد می‌روم و مراکز اتمی‌اش را می‌زنم در شرایطی که همه منتظر این بودند و حق هم بش می‌دادند چون این برای اون موشک فرستاده بود که این هم بزنه خیلی روشن نه به مراکز نفتی و نه به مرکز اتمی اصلاً نزدیک نشد در نتیجه فکر نمی‌کنم این بازی را بشه اساساً جنگ تلقی کرد.

**پرسش:** ممنون رفیق. رفیق تنش بین در واقع بین اسرائیل و جمهوری اسلامی در صفوف مخالفین جمهوری اسلامی صف بندی‌هایی را شکل داد تا جایی که در فضای مجازی هم شاهدش هستیم برخی مثل سلطنت طلبان خیلی آشکار به دفاع از حملات اسرائیل برخاستند و برخی هم به مخالفت یعنی در واقع مخالفت کردند. اگر ممکنه نظرتان را در این زمینه هم بگوئید؟

**پاسخ:** فکر کنم قبلاً هم در این باره صحبت کردم. ببینید اینکه سلطنت طلبان خواهان حمله اسرائیل به ایران‌اند این اصلاً امر عجیبی نیست. خوب همین رضا پهلوی مگر چند ماه پیش نرفت اسرائیل و در آنجا نرفت به دیوار ندیه دخیل بست. رضا پهلوی در این سال‌ها نشان داده برای رسیدن به قدرت به هر رذالتی تن می‌ده و البته با توجه به سرسپردگی پدر بزرگ‌اش یعنی رضاخان به امپریالیسم انگلستان و محمد رضا شاه بعد از انگلستان عمدتاً به آمریکا یک چنین امری در خانواده آنها امر تازه‌ای نیست. واقعیت اینه که سلطنت یک آلترناتیو امپریالیستی در ایران و برای اون‌ها هم هدف فقط رسیدن به قدرته و برای رسیدن به این هدف هم به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند. برای اینکه از نظر اون‌ها هدف وسیله را توجیه می‌کنه. بنابراین برای چنین نیروئی که خودش می‌داند که در سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ نقشی نخواهد داشت توسل به حمله اسرائیل و توهم اینکه با این حمله جمهوری اسلامی سرنگون می‌شه و آنها می‌توانند به قول رضا پهلوی "خلاء قدرت" را پر کنن، یک امر فقط دلخوش کننده ست. این چیز روشنیه که همین موضع البته سرسپردگی و ضد مردمی بودن این جریان را هم آشکارتر می‌کنه و نشان می‌دهد. در عمل هم دیدیم که اسرائیل حمله کرد اما به یک معنا آب از آب هم تکان نخورد چون ارباب اصلی گفته بود که برنامه‌ای برای تغییر رژیم نداره. من در پاسخ به پرسش‌های قبلی گفتم اسرائیل نه به مراکز نفتی نزدیک شد و نه به مراکز اتمی در حالیکه این سلطنت طلبان و یا کسانی شبیه اون‌ها که خواهان این هستند که جمهوری اسلامی را یکی دیگه برداره چون خودشون نمی‌توانند کاری کنند همیشه هم می‌گویند "سر مار" را بزن خوب تو اگر بلدی خودت برو بزن دیگه سر مار را بزن یعنی این رژیم را بردارید یک رژیم پنج خیلی شیک و پیک درست کنید که ما بیائیم بنشینیم مثلاً سر کار. اما به نظر من همین موشک پرانی‌ها، همین حملات نشان داد که فعلاً جنگی در این ابعاد بین این دو رژیم در نگرفته و اصلاً نیازی هم به موضع‌گیری در این زمینه نیست و اون‌هائی هم که دل خوش کردن به اینکه یکی دیگه بیاید برایشان رژیم را بندازه فقط بازیچه سرکاری‌ها و دسیسه‌های قدرت‌های بزرگ می‌شوند که خوب تا حدی هم حشونه.

**پرسش:** رفیق سنجری می‌دانم که سوالات زیادی مطرح شده و امیدوارم که زیاد خسته‌تان نکرده باشم ولی از اون جا که هر کدام از این سوالات اهمیت زیادی دارند و مخصوصا بین فعالین به خصوص جنبش چپ به هر صورت تا حد ممکن سعی می‌کنم که این سوالات را همه را مطرح کنم تا بتوانید به آن جواب بدهید. رفیق یک بیانیه‌ای اخیرا تحت عنوان فراخوان جمعی "علیه نظم نوین تحمیلی بر خاورمیانه" با این عنوان با امضای تعدادی از عناصر رژیم تحت عنوان اصلاح طلب در داخل کشور منتشر شد که در درگیری‌های جمهوری اسلامی و اسرائیل بدون اشاره به جمهوری اسلامی "نوشتند هر گونه اقدام نظامی علیه ایران تحت هر عنوانی" را محکوم کردند و انزجار خودشان را نسبت به اون اعلام کردند. در این بین تعدادی از نیروهائی که با عنوان چپ هم شناخته می‌شوند این بیانیه را امضاء کردند. این بیانیه البته بدون توجه و اشاره به ماهیت طرف دیگر این به اصطلاح جنگ و درگیری، یعنی جمهوری اسلامی، می‌آید "روشنفکران، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی" را به همراهی با خودش فرا می‌خواند. خواستم اگر ممکنه شما نظراتان را در رابطه با این بیانیه توضیح بدهید؟

**پاسخ:** ببینید نگران پرسش‌هاتون نباشید هر پرسشی دارید را مطرح کنید من در خدمتتانم. این بیانیه هم که گفتید من دیده‌ام. یک تلاشی از سوی اصلاح طلبان حکومتی برای دفاع از دیکتاتوری حاکم بر ایران اون هم به بهانه حمله اسرائیل و یا جنایات اسرائیل در منطقه که یک امر واقعیه. متأسفانه کسانی هم که خودشان را چپ تلقی می‌کنند هم آن را امضاء کردن. اینکه امثال سید علی مرعشی از حزب کارگزاران و اگر اشتباه نکنم از اقوام رفسنجانی و محمد رضا جلائی پور و غیره هم در این وانفسای تبلیغات جنگی بین اسرائیل و جمهوری اسلامی بخواهند از این رژیم دفاع کنند به باور من اصلا امر عجیبی نیست. این وظیفه همیشگی نیروهای خودی جمهوری اسلامی بوده و هست. اما اینکه کسانی که خودشان را چپ می‌نامند در شرایطی که امکان دارند خودشان مستقلا در این زمینه موضعگیری کنند بیانیه‌ای را امضاء می‌کنن که مشخصا جهت دفاع از جمهوری اسلامی تدوین شده، واضحه که یک امر خلاف منافع مردم ایران انجام داده‌اند که غیرقابل دفاع است. این بیانیه بطور آگاهانه و به خاطر دفاع از دیکتاتوری حاکم در ایران که کسی اصلا نمی‌تواند در جنایاتش شک داشته باشه دیکتاتوری حاکم را یعنی جمهوری اسلامی را می‌کند "حکومت ایران" بعد هم به روی خودش نمی‌آوره که درگیری‌های جاری در منطقه دو طرف داره که هر دو ناحق‌اند و ثابا به رغم همه تبلیغات فریبکارانه رسانه‌های امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا از حمایت از این دوقلوهای به واقع عزیز دردانه‌اش یعنی دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی دست برداشته؛ کجا می‌خواهد به ایران حمله بکند و به همین دلیل هم به رغم حملات دو طرف به خاک همدیگر هر دو طرف اگر دقت کنید می‌کوشند حملاتشان با کمترین تلفات ممکن توأم باشه. از طرف دیگه این بیانیه نویسان مدعی شده‌اند که برای مقابله با دخالت خارجی به مسائل داخلی اصلا نمی‌پردازند یا نپرداختند. اما این امریه که اگر برای اصلاح طلبان حکومتی یک امر طبیعی برای کسانی که خودشان را چپ می‌نامند که دیگه غیرقابل گذشته. چطور می‌شه در رابطه با دعوی جمهوری اسلامی و اسرائیل موضع گرفت ولی گفت من به مسائل داخلی جمهوری اسلامی نمی‌پردازم. پس این همه جنابیتی که این هر روز داره انجام می‌دهد را کجا باید بهش بپردازیم اون هم در شرایطی که هیچ روزی نیست که در شهرهای مختلف ایران در خیابان‌های مختلف شهرهای ایران ما شاهد فریاد مردمی که جانشینان از مظالم جمهوری اسلامی به لب رسیده باشیم. به نظر من این یک کار نادرست و کاملا غلط و غیرقابل دفاعه. فکر کنم در همین حد من می‌توانم حداقل موضع خودم را در این زمینه بگویم.

**پرسش:** ممنون رفیق. بچنمون یک مقداری طولانی شد. من در این بخش به عنوان آخرین پرسش می‌خواستم از شما سوال کنم که چه راه حل دمکراتیکی برای حل مساله فلسطین وجود دارد؟

**پاسخ:** ببینید ما همیشه از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین دفاع کرده و دفاع می‌کنیم و خواهان این هم هستیم که این مردم رنج دیده به حقوق طبیعی خودشان بالاخره دست پیدا کنند. اون راه حل دمکراتیکی که شما می‌گوئید یعنی اون راه حلی که بتواند به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین پاسخ بدهد؛ و ما معتقدیم که این حق تنها در یک چنین شرایطی است که امکان بروز آزادانه آراء مردم فلسطین امکان پذیر می‌شود. نه اینکه هر کسی از طرف خودش به نام خلق فلسطین یک راهی را نشان بدهد. یکی پیدا شود و بگوید من حکومت اسلامی می‌خواهم. باید شرایط آزاد باشد همه بیایند و نظر بدهند و اگر اکثریت اون مردم هر چیزی که خواستند در جهت تحقق اون گام بردارند. روشنه که این شرایط هم بدون نابودی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم و مزدوران رنگارنگشان دست نیافتنی. این را هم ما باید تاکید کنیم. از طرف دیگه تجربه مبارزات خلق‌های تحت ستم در عصر امپریالیسم نشان داده که پیروزی انقلاب ستم‌دیدگان علیه دشمنان خلق و در این مورد مشخص خلق فلسطین تنها با رهبری طبقه کارگر امکان پذیر هست. تنها در یک شرایط دمکراتیک که مردم فلسطین می‌توانند بطور آزادانه شکل آینده حاکمیت خودشان و چگونگی رابطه‌شان با یهودی‌های ساکن این سرزمین را تعیین کنند حالا چه بصورت تشکیل یک کشور فلسطینی در کنار اسرائیل و چه به صورت کشوری با همکاری برادرانه همه ساکنانش. چون به هر حال این تنها امکانی که وجود داره که یک چنین حقی در فلسطین متحقق بشود یک شرایط دمکراتیک است و اون شرایط دمکراتیک هم تنها وابسته است به سرنگونی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم. به هر حال از این که در این مبحث به خصوص از این راه حل دو کشور زیاد نام برده می‌شه باید تاکید کنم که آنچه که اکنون تحت عنوان قرارداد اسلو بر مردم فلسطین تحمیل شده اساسا نقض آشکار حق تعیین سرنوشت این خلق است نه تحقق حق تعیین سرنوشت خودشان و واقعیت‌های منطقه

هم نشان می‌دهد که متاسفانه تا رسیدن به شرایط تحقق این حق خلق فلسطین و خلق‌های دیگر منطقه راه درازی در پیش دارند. این اون چهارچوب کلی است که ما در این چهارچوب به مساله نگاه می‌کنیم.

**پرسشگر بذرهای ماندگار:** مرسی رفیق با سپاس مجدد از اینکه پاسخگوی این همه سوالات بودید. مطمئن هستم که در بخش بعدی برنامه هم سوالات دیگری از رفقای که حضور دارند کسانی که هستند احتمالاً خواهد آمد.